

بمناسبت گرامیداشت صدین سالگرد استقلال وطن

نظامنامهٔ اساسی دولت علیہ افغانستان

[اولین قانون اساسی افغانستان]

بازتایپ و تدوین دیجیتال: محمد قاسم آسمایی
بازپنخش: نشرات راه پرچم

نظامنامه اساسی
دولت علیّه افغانستان

در مطبع دائره تحریرات مجلس وزراء طبع شد

تحریر فی تاریخ یوم پنجشنبه ۸ حمل سنه

۱۳۰۲

تعداد طبع اول ۲۵۰۰ جلد

شناسنامه کتاب:

عنوان: نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان

طبع نخست: حمل ۱۳۰۲

بازتایپ و تدوین دیجیتال: محمد قاسم آسمایی

بازپخش: تارنمای راه پرچم سپتمبر ۲۰۱۹

<http://rahparcham1.org>



نظامنامه اساسی دولت علیّه افغانستان

۱. دولت علیّه افغانستان اداره امور داخله و خارجه خود را به استقلال تامه حائز بوده و همه محلات و قطعات مملکت بزیر امر و اراده سنیه ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می یابد، و بهیچ حیثیت در اجزای مملکت تفریق کرده نمیشود.
۲. دین افغانستان دین مقدس اسلامی و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب منیف حنفی است، دیگر ادیان اهل هنود، یهودی که در افغانستان هستند بتادیه جزیه و داشتن علامات ممیزه

تابع بوده بشرطی که آسایش و آداب عمومیّه را اخلاص نکنند، نیز به تحت تأمین گرفته میشوند.

[در نخستین متن نظامنامه اساسی دولت علیّه افغانستان این ماده چنین بود: «دین افغانستان دین مقدس اسلامیت، دیگر ادیان اهل هنود، یهودی که در افغانستان هستند بشرطیکه آسایش و آداب عمومیّه را اخلاص نکنند نیز در تحت تأمین گرفته میشوند.» این ماده بعداً در سال ۱۳۰۳ تعدیل و متن فوق مورد تعمیم قرار گرفت.]

۳. پایتخت مملکت افغانستان شهر کابل است و اهالی تمامی مملکت افغانستان بالمساوی بنظر حکومت هستند که هیچ امتیازی اهالی شهر کابل نسبت بدیگر شهرها و قصبات مملکت محروسه افغانیه ندارند.

۴. بنابر خدمات فوق العاده اعلیحضرت همایون که در راه ترقی و تعالی و استقلال ملت افغانیه ابراز نموده اند، ملت نجیبه افغانستان متعهد میشوند که سلطنت افغانستان به اولاد این پادشاه ترقیخواه افغانیان به اصول اولادیت به انتخاب اعلیحضرت پادشاهی و اهالی ملت انتقال میکند و ذات ملوکانه در حین جلوس اریکه سلطنت بالمواجه اشراف و اهالی متعهد میشوند که مطابق شرع شریف و این نظامنامه اساسی اجرای اوامر حکومت نموده، استقلال افغانستان را رعایت و برای وطن و ملت خود صداقت نمایند.

۵. ذات حضرت پادشاهی خادم و حامی دین مبین اسلام و حکمدار و پادشاه عموم تبعه افغانستان است.
۶. امور مملکت بذریعه وزراء دولت (که به اراده سنیه انتخاب و تعیین میشوند) اداره میشود، هرکدام وزراء مسئول امور متعلقه شان شناخته میشوند، از این سبب ذات همایونی غیر مسئول میباشند.
۷. در خطبه ها ذکر نام پادشاهی و ضرب سکه بنام پادشاه و تعیین رتب مناصب مطابق قوانین مخصوصه و اعطای نشان و انتخاب صدراعظم و دیگر هیئت وزراء و عزل تبدیل شان و تصدیق نظامات عمومیه و اعلان مرعیت شان، و محافظه و اجرای احکام شرعیّه و نظامیه و قوماندانی عموم قوای عسکری افغانستان و اعلان حرب، و عقد مصالحه و علی العموم معاهدات و عفو تخفیف مجازات قانونیه عموماً یا خصوصاً از حقوق جلیله پادشاهی شمرده میشوند.

حقوق عمومیه تبعه افغانستان

۸. همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند. صفت تابعیت افغانیه مطابق نظامنامه مخصوص استحصال یا اضاعه کرده میشود.

۹. کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی نظامات سیاسی دولت علیه خود پابند و مقید بوده آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند.

[این ماده در متن نخستین نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان چنین بود: «کافه تبعه افغانستان آزادی شخصی خود را مالک بوده حریت دیگر اشخاص را اخلال و ضایع نم کنند.» بعداً در سال ۱۳۰۳ این ماده تعدیل و به شکل فوق نافذ گردید.]

۱۰. حریت شخصیّه از هر گونه تعرض و مداخلت مصنونست، هیچکس بدون امر شرعی و نظامات مقننه تحت توقیف گرفته و مجازات کرده نمیشوند، در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است، از زن و مرد هیچکس دیگری را بطور اسارت استخدام کرده نمیتواند.

۱۱. مطبوعات و اخبارات داخلیه مطابق نظامنامه مخصوص

- آن آزاد میباشند، نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و یا اهالی تبعه افغانیه است، درباره مطبوعات خارجه، دولت علیه افغانستان بعضی شرائط و قیود نهاده میتوانند.
۱۲. تبعه افغانستان مطابق نظامات موضوعه برای تجارت و صنعت و زراعت هرگونه شرکتها کرده میتوانند.
۱۳. تبعه افغانستان مفرداً یا مجتمعاً اگر خلاف شریعت غزاً و یا نظامات دولت از طرف مأمورین یا دیگری حرکت و رفتاری ملاحظه کنند، به اداره های دولت عرض میکنند، اگر در دوائر حکومتی مرجوعه اش به بازخواست و استماع عرض شان پرداخت نکنند، علی الترتیب به مافوق شان استغاثه نمایند، در صورتیکه هیچیک بازخواست نکرد، راساً بحضور اشرف پادشاهی عرض نموده میتوانند.
۱۴. امر تدریس بلکل آزاد است، مطابق نصاب معارف عمومیّه هر فرد تبعه افغانستان عموماً بطور عمومی و خصوصی برای تدریسات مأذون و مجاز میباشند، اما اشخاص اجنبی به استثنای نفرئی که برای تعلیم استخدام میشوند، بداخل مملکت افغانستان به افتتاح و اداره مکاتب مجاز نیستند.
۱۵. عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت و تفتیش حکومت میباشند، حکومت بهمه اسباب و تدابیری که برای تربیه علمیّه و ملیّه همه تبایع افغانستان بر سیاق انتظام و اتحاد میباشند نظر دقت میگیرد، اما اصول تعلیمیّه که بامور

اعتقادیه و مذهبیّه اهل ذمه و افراد مستأمنه تعلق دارد اخلاص کرده نمیشود.

۱۶. کافه تبعه افغانستان بحضور شریعت غرا و نظامات دولت در حقوق و وظائف مملکت حق مساوی دارند.

۱۷. عموم تبعه افغانستان به اندازه قابلیت و اهلیت شان در همه مأموریتها به اندازه احتیاج دولت استخدام میشوند.

۱۸. مالیات و محصولات مقرر مطابق نظامنامه های مخصوصه برای تبعه افغانستان به نسبت ثروت و اقتدار شان تعیین و گرفته میشوند.

۱۹. در افغانستان هر شخص از مال و ملک خوش که در تصرف او باشد در امن میباشد، اگر یک ملکی بمقصد منافع عمومیّه بکار دولت شود موافق نظامنامه مخصوصه آن اولاً قیمت آن را بصاحبش تأدیّه نموده بعد ملک را گرفته میتوانند.

۲۰. مسکن و جای هر تبعه افغانستان از هرگونه تعرّض مصنّونست، و هیچکس از طرف حکومت و سائره بدون احکام نظامات بخانه شخصی جبراً بلااستیذان داخل شده نمیتواند.

۲۱. در محاکمه عدلیه عرض و داد عمومی مطابق شریعت و اصول محاکم حقوقیه و جزائیه فیصله کرده میشود.

۲۲. مصادره و بیگار بالکل ممنوع است، اما کار و تکالیفی که در زمان محاربه پیش شود، مطابق نظامنامه مخصوصه آن از این قاعده مستثنی است.

۲۳. خارج نظامات دولت از هیچ کس چیزی گرفته نمیشود.
۲۴. شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج احکام شرع شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته برای هیچ کس مجازات داده نمیشود.

[در متن اولی نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان متن ماده فوق چنین بود: «شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است، و خارج نظامنامه جزای عمومیه و عسکریه برای هیچکس مجازات داده نمیشود.» که بعداً در سال ۱۳۰۳ تعدیل گردیده است.]

وزراء

۲۵. در افغانستان وظیفه اداره حکومت مفوض است به هیئت وزراء و اداره مستقله در حین اجتماع هیئت وزراء ریاست مجلس را ذات ملوکانه ایفا مینماید و اگر ذات شاهانه تشریف نداشته باشند، صدراعظم بوظیفه ریاست میپردازند و اگر صدراعظم اثبات وجود نداشت، از جمله وزراء وزیر وزارت اول وظیفه ریاست را اجرا میدارد.
۲۶. وکیل که در حال غیاب یکی از وزراء تعیین میشود عیناً اختیارات و حقوق همان وزیر را داراست.
۲۷. در هر سال قبل جشن عمومی استقلال بیکروز مخصوصی که از طرف ذات شاهانه معین فرموده میشود در زیر ریاست شهریاری یک دربار عالی انعقاد خواهد یافت، دربار مذکور مرکب است از رجال مامورین دولت و اکابر و اشرافی که از طرف ذات شاهانه انتخاب شده باشند، در مواجهه آن هر وزیر و مدیر مستقلمه اجراءات و خدمات یکساله خودشانرا علناً بیان و ایضاح خواهند نمود.
۲۸. صدراعظم و دیگر وزراء از طرف قرین الشرف پادشاهی انتخاب و تعیین میشوند.
۲۹. مجلس وزراء مرجع امور مهمه داخلی و خارجی دولت است، مذاکرات مجلس وزراء و قراردادهائیکه محتاج تصدیق میشوند بعد امضای اعلیحضرت همایونی در معرض اجرا گذاشته میشوند.

۳۰. وزراء امورات مربوطه وزارت متعلقه خود را به اندازه که در حوصله اختیارات خودشان است اجراء و مافوق آنرا آنچه رسماً بحضور اشرف ملوكانه تقدیم میشود، بحضور اعلیحضرت پادشاهی و آنچه موافق تفصیل لائحه و ظایف مجلس وزراء مواد متعلقه مجلس مذکور باشد به مجلس عالی وزراء تقدیم و القا مینمایند. مجلس وزراء در مواد مقدمه موافق نظامنامه مخصوصه مجلس وزراء مذاکره و مباحثه نموده حل و فصل و آراء خود را امضا مینمایند.
۳۱. هر یک از وزراء در سیاست عمومیه دولت مشترکاً در امور وظیفه وزارت متعلقه خود خصوصاً بحضور اشرف ملوكانه مسئول شناخته میشوند.
۳۲. در امور که از حضور شاهانه به یکی از وزراء و یا دیگر مامورین امر شفاهی شود احکام تحریری آنرا به امضای همایونی حاصل دارند.
۳۳. یکی از وزرای دولت اگر از روی وظیفه مأموریت شان تحت محاکمه گرفته شوند، محاکمه آنها بدیوان عالی عاید و راجع است، و اصول محاکمه شان موافق نظامنامه مخصوصه حل و فصل میگردد و دیگر دعاوی شخصیّه وزراء که خارج وظیفه مأموریت شان باشد، مانند سائر رعایا به محاکم عدلیه مراجعت مینمایند.
۳۴. وزیریه که از طرف دیوان عالی تحت اتهام می آید، الی نتیجه محاکمه و براننت شان از وظیفه وزارت معطل میمانند.

۳۵. مقدار وزارات و تشکیلات و دوائر و وظایف شان در
نظامنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته.

راه پیرچ

مأمورین

۳۶. بالعموم مأمورین مطابق موادی که در نظامات مخصوصه ایضاح گردیده بمأموریت‌هایی که آلیق و مناسب باشند تعیین کرده میشوند، و هیچیک مأمورین تا زمانی که از وظیفه خود مستعفی نشوند، و یا از سوء رفتارشان موجب عزل نگردند و یا از طرف دولت بنا بر یک امر ضروری لازم تبدیل و موقوفی نباشند اصلاً عزل و موقوف نمیشوند، و مأمورینی که حُسن سلوک و استقامت خدمت خود را ابراز نمایند استحقاق تَرَقّی رُتبه و مأموریت و مستمری را دارند.
۳۷. وظائف مأمورین در نظامات مخصوصه تعیین و تفریق گردیده هر مأمور موافق نظامنامه های مخصوص از وظائف مَوْظفه اش مسئول شناخته میشود.
۳۸. همه مأمورین علی المراتب در اطاعت از طرف آمر مافوق شان موافق نظامات دولت ملگلف و مؤظف هستند، و اگر از طرف آمر مافوق آنها در اجرای کدام امر خلاف نظامات دولت اصرار شود، مأمورین ماتحت شان بمرکز وزارت اطلاع نمایند، و هرگاه بدون اطلاع مرکز اوامر خلاف قانون را اجرا کنند، آنها نیز مسئول شناخته میشوند.

مجالس مشوره و شورای دولت

۳۹. در مرکز دارالسلطنه یک هیئت شورای دولت و در نائب الحکومه گی و حکومت‌های اعلی و حکومتی های درجه اول و دوم و سوم و علاقه داری یک یک مجلس مشوره موجود است.

۴۰. اعضای مجالس مشاوره و شورای دولت از اعضای طبیعی و اعضای منتخبه مرکب میباشند.

۴۱. اعضای طبیعی مجالس مشاوره از مأمورینی که در نظامنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته تشکیل مییابد، و اعضای طبیعی شورای دولت بالمساوی تعداد اعضای منتخبه شوری راساً از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی منتخب و تعیین کرده میشوند، اعضای منتخبه تماماً از طرف اهالی معین و مقرر میشوند، در باب صورت انتخاب آنها در نظامنامه تشکیلاتی اساسی مواد جداگانه موجود است.

۴۲. مجالس مشاوره و شورای دولت علاوه بر وظایفی که در نظامنامه تشکیلات اساسی نشان داده شده به وظائف ذیل مؤظف هستند:

الف: برای ترقی صناعات، تجارت، زراعت، معارف همه تکالیفی که لازم به بینند بدولت عرض مینمایند.
ب: در خصوص مالیات و محصولات و دیگر معاملات حکومت اگر مخالف اصل نظامات معاینه نمایند

بمقصد اصلاح اینچنین امور بحکومت عرض و الحاح نموده میتوانند.

ج: اگر در حقوق که موافق این نظامنامه برای اهالی داده شده، از یکطرف اخلاص و اضاعه ملاحظه کنند، در نزد حکومت صلاحیت عرض و استغاثه را دارند.

۴۳. فقراتی که مجالس مشاوره ولایات و محلات بحضور نائب الحکومه ها و حکام عرض و تقدیم مینمایند، آنچه به اندازه اختیارات نائب الحکومه و حکام باشد خودشان اجراء و مافوق آن بوزارت متعلقه همان شعبه ارجاع میدارند، از وزارت منسوبه اش اگر لازم اجرا باشد اجراء نموده و الا بر وفق ماده (۳۰) تعمیل مینمایند، و اگر مسئله مواد قانونیه باشد، بموجب قاعده (۴۶) این نظامنامه پردازند.

۴۴. در فقراتی که از مجالس مشاوره برای نائب الحکومه ها و حکام محلی عرض میشود، و از جانب آنها الی یک ماه نتیجه و جوابی برای شان ظاهر نشود، مجالس مشاوره صلاحیت دارند، که بشورای دولت عرض حوائج خود را بنمایند.

۴۵. شورای دولت فقراتی را که مجالس مشاوره شکایتاً مینویسند، رای خود را دران باب نوشته بوزارت متعلقه همان فقره اطلاع میدهد، اگر در اجرای آن از طرف وزارت معطلی واقع شود، شورای دولت آن فقره را تقدیم حضور همایونی میتوانند.

۴۶. نظامات دولت از طرف شورای دولت تدقیق گردیده به مجلس وزراء تقدیم میشود، و بعد تصویب مجلس وزراء و منظوری شاهانه در موقع اجرا می درآید.
۴۷. علاوه بر اعضای طبیعیہ دائمی شورای دولت مامورین ملکی از نایب الحکومه الی حکام اعلی و از منصیداران عسکری تا لوامشر که از مأموریت سبکدوش شده باشند، به استثنای اشخاصی که در تحت محاکمه بیایند در جمله اعضای طبیعیہ شورای دولت موقتاً الی تعیین مأموریت شان داخل شده میتوانند.
۴۸. بودجه سالانه را که بوزارت مالیه تنظیم و ترتیب میشود، مطابق نظامنامه بودجه عمومی بشواری دولت تدقیق مینمایند.
۴۹. مقاولات و تعهدات که با اجانب میشود، از طرف شورای دولت مذاکره و تدقیق میگردد.

محاکم

۵۰. در محاکم عدلیه هر نوع محاکمات بطور علنی اجراء میشود، بعضی فقرات که در نظامنامه مخصوصه محاکم نشان داده شده، محاکمه آنرا قاضی بطور خفیه اجرا کرده میتواند.
۵۱. در حضور محاکم هر کس برای محافظه حقوق خود همه وسائط مشروعه را پیشنهاد نموده میتواند.
۵۲. محاکم عدلیه در رؤیت و فیصله دعوائی که داخل وظیفه شان باشد، تعطیل و ماطله کرده نمیتوانند.
۵۳. همه محاکم از هرگونه مداخلت آزاد هستند.
۵۴. صنوف و درجات محاکم و صلاحیت شان بنظامنامه تشکیلات اساسی ایضاح یافته.
۵۵. هیچکس خارج محاکم عدلیه برای فیصله بعضی فقرات مخصوصه یک محاکمه فوق العاده تشکیل داده نمیتواند.

دیوان عالی

۵۶. دیوان عالی خاص برای محکمهٔ وزرای دولت عندالافتضا موقتاً تشکیل مییابد و بعد ایفا و سرانجام نمودن کاری که به او سپرده شده فسخ میشود.
۵۷. طرز تشکیل دیوان عالی و اصول محاکمه در آن مطابق نظامنامهٔ مخصوص آن اجرا میشود.

امور مالیه

۵۸. همه محصولات دولت مطابق قانون مخصوص آن اخذ کرده میشود.
۵۹. هر سال برای واردات و مصارف دولت یک بودجه تنظیم کرده میشود. و این بودجه برای واردات و مصارف دولت اساس بوده همه واردات و مصارف از روی آن اخذ و مصرف میشود.
۶۰. بعد از تطبیق و اجرای بودجه سالانه یک محاسبه قطعیه تنظیم کرده میشود، و این محاسبه قطعی مقدار حقیقی واردات و صرفیات این سال را حاوی میباشد.
۶۱. برای تحقیق و تدقیق اینکه (آیا واردات و مصارف دولت حقیقتاً موافق نظامنامه بودجه ایفا گردیده است یا نه) یک دیوان سنجش تشکیل مییابد (در خصوص دیوان سنجش نظامنامه مخصوصه موجود است).
۶۲. برای تنظیم محاسبه قطعیه و برای تنظیم بودجه و صورت تطبیق و اجرای آن نظامنامه مخصوصه موجود است.

اداره ولایات

۶۳. اصول اداره ولایات از سه قاعده اساسیه مبنی است،
۱. توسیع مآذونیت، ۲. تفریق وظائف، ۳. تعیین مسئولیت.
بنابر قواعد مذکور همه وظائف مامورین ولایات مطابق
نظامات موضوعه تعیین و تفریق کرده شده است، و
اختیارات مامورین نیز بر طبق نظامات مخصوصه محدود
است، و هر مأمور در وظائف خود علی المراتب نزد
مافوقش مسئول شناخته میشود.
۶۴. در ولایات از هر شعبه وزارت مامورین جداگانه مقرر
هستند، افراد اهالی برای کار و انجام حوائج خود ابتداء
بمامورین شعبات مراجعت نمایند.
۶۵. اگر اجرای کار اهالی به مأموریتها نشود، و یا در باره آنها
مأمورین خلاف نظامات دولت رفتار نمایند، افراد اهالی از
تعطیل کار و سوء رفتار آنها نزد آمر مافوق شان و
عندالاقضاء نزد نائب الحکومه ها و حکام اعلی عرض و
استغاثه کرده میتوانند.
۶۶. تشکیل دوائر بلدییه و وظائف آن در نظامنامه مخصوص
توضیح یافته.
۶۷. هرگاه در یک حصه مملکت آثار عصیان و بغاوت که مخل
امنیت عمومیه باشد حس کرده شود، دولت اعلان حکومت
عسکریه مینماید، و اداره عسکریه تشکیل مییابد.

مواد متفرقه

۶۸. برای تبعه افغانستان درجه ابتدائیه تحصیل معارف حتمی و مجبوریت، درجات و تفرعات آن بیک نظامنامه مخصوص تعیین یافته که بر طبق آن معمول میشود.
۶۹. یک ماده این نظامنامه اساسی بهیچ سبب و حیثیت تعطیل و یا حکم اجرای آن ساقط نمیشود.
۷۰. بنابراین ایجاب اگر از مواد مندرجه این نظامنامه اساسیه لزوم تغییر و تبدیل شود، بعد آرای ثلثان اعضای شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزراء بحضور اشرف همایونی عرض میشود، و بعد منظوری حضوری شاهانه تغییر و تبدیل آن ممکن است.
۷۱. تشریح و تفسیر یک ماده این نظامنامه اساسی و دیگر نظامات دولت اگر لازم دیده شود، بشورای دولت حواله گردیده، بعد تصحیح و توضیح شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزراء طبع و نشر میشود.
۷۲. در حین تنظیم معاملات اهالی و مقتضیات زمان مخصوصاً احکام شرعیّه بنظر دقت گرفته میشود.
۷۳. مصئونیت مکاتیب یکی از حقوق اهالیست، و همه مکاتیب و مراسلات محصولی اهالی که تودیع پوسته میشود، تا از طرف یک محکمه جواز تجسس نشود، در هیچ پوسته خانه و دیگر جا باز کرده نمی شود، و همچنان سربسته به مرسل الیه سپرده میشود.

مواد این نظامنامه اساسی که به اتفاق آراء وزرای دولت و تمامی وکلای ملت در مجلس لوی جرگه سمت مشرقی برای اساس دولت علیه افغانستان تصویب یافته و هشتصد و هفتاد و دو (۸۷۲) نفر اعیان مجلس مذکور در موفقیت آن مهر و امضا کرده اند منظور است ادخال آنرا در جمله نظامات دولت و اجرای احکام موادش امر و اراده میکنم

این ترجمه فارسی با اصل نظامنامه اساسی افغانستان موافق است.

تعدیل و توضیح مواد نظامنامه اساسی افغانستان

تعدیل ماده (۲)

دین افغانستان دین مقدس اسلامی و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب منیف حنفی است، دیگر ادیان اهل هنود، یهودی که در افغانستان هستند بتادیه جزیه و داشتن علامات ممیزه تابع بوده بشرطی که آسایش و آداب عمومی را اخلال نکنند، نیز به تحت تأمین گرفته میشوند.

توضیح ماده (۹)

کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی نظامات سیاسی دولت علیه خود پابند و مقید بوده آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند.

تعدیل ماده (۲۴)

شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج احکام شرع شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته برای هیچ کس مجازات داده نمیشود.

نظامنامه اساسی افغانستان که در مجلس معظم (لوی جرگه) بمه سرطان ۱۳۰۳ در پمقان از علما و سادات و مشایخ و وکلا و رؤسای تمام مملکت افغانستان تشکیل یافته تصویب و منظور

گردید. تنها ماده (۲ و ۹ و ۲۴) آن قرار فوق تعدیل و توضیح یافته صحیح است.

متن اصلی نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان

راه پیکر





نظام اساسی
دولت طیب افغانستان

در مطبعه اداره تحریرات مجلس وزراء طبع شد

تحریر فی تاریخ یوم پنجمینبده حمل سنه ۱۳۲۰

جلد ۲۵... اول مطبع اول

در نامنامه اساسی و دولت علیه افغانستان

- ۱- دولت علیه افغانستان دارة امور داخلی و خارجی نمود را با استقلال
 تمام حاصل نموده همه محلات قطعات مملکت بزرگ و کوچک و سینه ملوکانه را بیک
 یک چو دو تشکیل می یابد و هیچ حیثیت در اجزای مملکت نفوذ ندارد
- ۲- دین افغانستان بین مقدس اسلام است، او را در میان اهل وجود و نفوذ
 کرده و افغانستان بپند بشیر طیک آسایش آورده و بی در اخلال کند و تیره تحت این گرفته
- ۳- پایتخت مملکت افغانستان شهر کابل است و
 انالی تمامی مملکت افغانستان با لسا و نظیر حکومت بپندیکه چو اعتبار
 انالی شهر کابل نسبت بیکر شهرها و قصبات مملکت محرومه افغانستان ندارد
- ۴- بنا بر ضوابط فوق العاده علم حضرت بجا یون که در راه ترقی و تکامل
 ملت افغانستان ابراز نموده اند و ملت جدید افغانستان این تقه پیدا شود که سلطنت
 افغانستان بر ولا و این پادشاه تیره خواه افغانستان با اصول ولایت با تمام
 علم حضرت پادشاهی انالی ملت انتقال میکند و وفات ملوکانه درین جملوس یک ملت

بالمواجهه اشرف و افغانی متعهد میشود که مطابق شرح شریف این نظامنامه را
اجرائی و امم حکومت نموده، استقلال افغانستان را رعایت و برادران و ملت
خود صداقت نمایند.

۵- ذات حضرت پادشاه عالی و صاحب دولت و حاکمین و حاکم دار و پادشاه عموم
بفخرا افغانستان است.

۶- امور مملکت پذیرید و زراد دولت که پادشاه و سینه انتخاب تعیین میشود
اداره میشود و هر کدام وزراء مشول امور متعلقه شان شناخته میشوند
ازین سبب آنات بهایلو غیر مشول میباشدند.

۷- در خطبه یادگرنام پادشاهی ضرب سکه بنام پادشاه تعیین رتبه صاحب
تواین مخصوصه اعطای شان استجاب تعیین صدر اعظم و دیگر هیئت وزیران
و عزل تبدیل شان و تصدیق نظامات عمومی و اعلان عیادت شان و محاسن
و اجراء احکام شرعی و نظامیه و قوماندهای عموم و اعساری فغانستان
و اعلان حرب و عقد صلح و علی العموم معاهدات و عفو و تخفیف مجازات
قانونیه عموماً یا خصوصاً از حقوق جلیل پادشاهی شمرده میشوند.

حقوق عمومی تبعه افغانستان

۸- هر فردی که در مملکت افغانستان میباشد با تفریق نیمی تبعه افغانستان لقب
صفت تابعیت افغانستان مطابق نظامنامه مخصوصه استحصالی با ضابطه کرده

۹- سکا ته تبعه افغانستان آزادی شخصی نوراً مالکات بوده حریت دیگر اشخاص را احتیال
ضایع نمیکند...

۱۰- حریت شخصی از هرگونه تفرص و مداخلت مصدومست ، بیچکس بدون امر شرعی
نظامات متقنه تحت توقیف گرفته و جازات کرده نمیشوند . و افغانستان اصول
اسارت بالکل موقوف است ، انزول دردیچکس و یکمسه را بطور اسارت تمام
کرده نمیتواند .

۱۱- مطبوعات و اخبارات و اختیارات نظامی مطابق نظامنامه مخصوص آن آنها میباشد
نشر اخبار فقط از حقوق حکومت یا امانی تبعه افغانستان است ، درباره مطبوعات
خارجی ، دولت علیه افغانستان بعضی شرایط و قیود زیاده نمیتواند .

۱۲- تبعه افغانستان مطابق نظامات موضوعه برای تجارت و صنعت و زراعت
هرگونه شرکتها کرده میتواند .

۱۳- تبعه افغانان آن نفروایا تبعاً اگر خلاف شریعت غرأ و یا نظامات دولت اطلب
مأمورین با ویکس حرکت در قمار و ملا فله کنند ، به اداره ای دولت
عرض میکنند ، اگر مدعا از حکومتی مرجوعه اش به بانخواست و استماع عرض
پرداخت کنند ، علی الترتیب به با حقوق شان استغاثه نمایند . در صورتیکه
بیچیک بانخواست نگردد ، اسب بحضور اشرف پادشاهی عرض نموده میشود .

۱۴- امرتد ریس بالکل آزاد است مطابق نصاب معارف عمومی به هر فردی تعلیم

عمومی بطور عمومی و خصوصی براسه تدریسات مازون و مجازید باشند، اما تحصیل
اجنبی به استثنای آنکه برای تعلیم استخراج میشوند، بداخل مملکت
افغانستان به اقتراح و اداره مکاتب مجاز نیستند.

۱۵- عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت و تقیض حکومت میباشد، حکومت بهم
اسباب و تدابیر که براسه تر بر علمیه و طبیه به تبع افغانستان برسیان نظام
و اشخاص و بیانشند فقط وقت میگیرد، اما اصول تعلیمیه که با موافقت و
تدبیریه اهل قلمه و افراد مستأمنه تعلق دارد داخل کرده میشود.

۱۶- کادمبر افغانستان بخصوص شریعت ترا و نظامات دولت در حقوق و وظائف مملکت
متم مساوات دارند.

۱۷- عموم تبع افغانستان به اندازه قابلیت و اهلیت شان در همه امور متحصصا به اندازه
اعتیان دولت استخدام میشوند.

۱۸- مالیات و محصولات مقرره مطابق نظامنامه مخصوصه براسه تبعه افغانستان
بیت شریعت و تقدیر شان تعیین میگردد میشوند.

۱۹- در افغانستان بر شخص ازال مملکت خودش که در تصرف او باشد و فارغ میباشد، اگر کسی
مدکی بقصد مداخله ثبوتیه بکار دولت شود موافق نظامنامه مخصوصه آن اقلیت
آن را بصاحبشش تا ویرینوده بعد از آن را گرفته میتواند.

۲۰- مسکن و جملت بر تبعه افغانستان از هر گونه تعرض محسوب نیست، و بچاکس از طرف

حکومت و سائر بدون احکام نظامات بجهت شخصی جبرائیل استبداد
داخل شده نمیتواند .

۲۱- در محاکمه عدلیه عرض داد عمومی مطابق شریعت و اصول محاکمه حقوقیه
و جزائیه فیصله کرده میشود .

۲۲- مصادره بیگاریا لکل ممنوع است ، اما کار و تکالیفی که در زمان مجاز
پیش شود ، مطابق نظامنامه مخصوصه آن زمین قاعده مستثناست .

۲۳- خارج نظامات دولت از هیچ کس چیزی گرفته نمیشود .

۲۴- شکفته دیگر انواع بجز تماماً موقوف است ، و خارج نظامنامه جبرائیل و دیگر
برای هیچکس مجازات داده نمیشود .

(وزراء)

۲۵- در افتانتان وظیفه اداره حکومت منقوض است بپیدت وزراء و اولاد
مستقله و این جماع بپیدت وزراء ریاست مجلس ذات طوکانا ایفا نمایند
و اگر ذات شانانه تشریف نداشته باشند ، صدر اعظم بوظیفه ریاست چه پوزاد
و اگر صدر اعظم اثبات موجود نداشته ، از بجایه وزراء وزیر فراریت اول
وظیفه ریاست را اجرا میدارد .

۲۶- وکیل که در حال غیاب یکی از وزراء تعیین میشود عیناً اختیارات و
حقوق همان وزیر را داراست .

۲۷- در هر سال قبل جشن عمومی استقلال بگیرد و مخصوصی که از طرف شاهانه
 معین فرموده میشود و نیز ریاست شهر یاری یکس با رعالی انعقاد خواهد
 یافت و در باره گور مرکب است از رجال امورین دولت کایروا اثری
 که از طرف شاهانه انتخاب شده باشند و در مواجبه آن هر وزیر و
 مدیری متقدمه آراءت خدمات یکساله نمودنرا اعلامیاریان ایضاح خواهد نمود.
 ۲۸- صدر اعظم و دیگر وزراء از طرف قریب اشرف پادشاهی انتخاب و تعیین
 میشوند.

۲۹- مجلس وزراء و مجمع امور مهمه داخلی خارجی دولت است، مذاکرات مجلس
 وزراء و قراردادها و دیگر تصدیق میشوند بعد از امضا انحضرت بهایوتی
 در معرض اجرا گذاشته میشوند.

۳۰- وزراء امور است مربوط وزارت متعلقه خود را به ندره که در حوصله اختیار
 خودشان است اجراء و مافوق آنرا آنچه را سابقاً بحضور اشرف ملوکانه تقدیم
 میشود، بحضور اغلیت پادشاهی و آنچه موافق تفصیل الامور و وظائف مجلس
 وزراء و مواد متعلقه مجلس کور باشد مجلس عالی وزراء تقدیم و القابینما
 مجلس وزراء در مواد متعلقه موافق نظامنامه مخصوصه مجلس و مذاکره و مباحثه
 نموده و فصل آراء خود را امضا نمایند.

۳۱- هر یک از وزراء در سیاست عمومیته دولت مشترک کایروا و وزارت
 متعلقه متعلقه

خود و خصوصاً بحضرت شرف لوکاز مسئول شناخته میشوند.

۳۳- در امور سه که از حضورشان به یکدیگر از دریا، و یاد دیگر مأمورین امر شرفیاب شود

احکام تحریری آرایه امضا و جایزینی حاصل دارند.

۳۳- یکدیگر از وزیران دولت اگر از دروس و وظیفه مأموریت، شان تحت حاکمه

گرفته شوند، حاکمه آنها بدو ان عالی مقام و راجع است، و اصول حاکمیتشان

موافق نظامنامه مخصوصه حل و فصل میگردد و دیگر عادی شخصیه و زرا، که خارج

وظیفه مأموریت شان بمانند، مانند سایر رعایا به حاکم عدلیه مراجعت نمایند.

۳۴- وزیران که از طرف دیوان عالی تحت اتهام کیفری نتیجه حاکم و برائت شان

از وظیفه وزارت معطل میمانند.

۳۵- مقرر وزارت و تشکیلات و الزام و وظائف شان در نظامنامه تشکیلات است.

توضیح یافته.

مأمورین

۳۶- با عموم مأمورین مطابقت بود که در نظامنامه مخصوصه ایضاح گردند

بمأموریتها که که التیق و مناسب باشند تعیین کرده میشوند، و هیچکدام

تا زمانی که از وظیفه خود مستعفی نشوند، و یا از سوورنهارشان و بر سر کار

یا از طرف دولت بنا بر یک امر ضروری لازم تبیل و موقوفی نباشند اصلاً

عزل و موقوف نمیشوند، و مأمورین که در ضمن سلوک و استقامت خدمت

خود را ابراز نمایند استحقاق ترقی رتبه و مأموریت مستمری را دارند
 ۳۷- نظام مأمورین در نظامات مخصوصه تعیین و تفریق گردیده هر مأمور موافق
 نظامنامه مائے مخصوصه از وظائف موظفه اش مسئول شناخته میشود،
 ۳۸- پیمان مأمورین علی المراتب در اطاعت کمر و باوق نشان و افاق نظامات دولت و تکلیف و
 موظف هستند، و اگر از طرف آمر باوق آنحضرت در اجراء اقدام امخالفات نظامات
 دولت اصرار شود، مأمورین با تحت نشان بمرکز وزارت اطلاع نمایند، و هرگاه بدو
 اطلاع مکرر ادا مخرلاف قانون را اجرا کنند، آنها نیز مسئول شناخته
 میشوند.

مجالس مشاوره شورایی دولت

۳۹- در مرکز وزارت السلطنه یک هیئت شورایی دولت و در نایب الحکومه یکی و حکومتها
 اعلیٰ و حکومتی مائے درجه اول دوم و سوم و علاقه داری یک یک مجلس مشوره
 موجود است.

۴۰- اعضائے مجالس مشاوره و شورائے دولت از اعضائے طبیعیه و اعضائے
 منتخبه مرکب یباشند.

۴۱- اعضائے طبیعیه مجالس مشاوره از مأمورین کبار نظامنامه تشکیلات است
 توضیح یافته تشکیل مییابند و اعضائے طبیعیه شورائے دولت با مساعده نظامنامه
 منتخبه شورائے مائے طرف قرین الشرف اعلا حضرت بهایونی منتخب تعیین

کرده میشوند، اعضای منتخبه تماماً از طرف اعلیٰ معین و مقصد میشوند، در باب
صورت انتخاب آنجا و در نظامنا از تشکیلات اساسی مواد جداگانه موجود است
۶۲- مجالس شاوره شورایی دولت علاوه بر وظایفی که در نظامنا در تشکیلات اساسی
نشان داده شده به وظائف ذیل موقوف هستند-

الف- برای ترقی صناعات، تجارت، زراعت، معارف همه اشکالی که لازم
ببینند به دولت عرض نمایند.

ب- در خصوص لایات و محمولات و دیگر معاملات حکومت اگر مخالف اصول نظامات
معائن نمایند بقصد اصلاح اینچنین امور بحسب کومت عرض و التاح نموده بترسانند.
ج- اگر حقوق که موافق این نظامنا بر اساس المللی داده شده، از یکطرف
اختلال و انشاع ملاحظه کنند، در ترقی کومت صلاحیت عرض و استغاثرا
دارند.

۶۳- نقراتی که مجالس شاوره ولایات و محالات بحسب مراتب الحکومتها و حکام
عرض تقديم نمایند، آنچه به اندازه اختیارات نائب الحکومه و محکام باشد
نودشان اجرا و مافوق آن بوزارت متعلقه همان شعبه ارجاع میدانند، از
وزارت منسوبه اش اگر لازم اجرا باشد اجرا نموده و الا بروق داده (۳۰) نقل است
و اگر مکمل مواد ذلالتیه باشد، بموجب قاعده (۶۱) این نظامنا
پروازند.

۶۳- در تقریر آنکه از مجالس شاوره براسه نائب الحکومه و نظام مجلس عرض میشود و از جانب آنها اسلئے یک ماه تجویز خواهد بود براسه شان ظاهر شود، مجالس شاوره صلاحیت دارند، که شورا سے دولت عرض خواهد نمود و بنا بنده۔۔۔

۶۴- شورا سے دولت تقریر آنکه مجالس شاوره شکایتا میسزیند، راسته خوبا در ان باب جو شسته وزارت متعلقه همان فقره المصلح میدهد، اگر در اجزای آن از طرف وزارت مطلسلی واقع شود، شورا سے دولت آن فقره را تعمیم حضور بکاربونی میسزیند۔۔۔

۶۵- نظامات دولت از طرف شورا سے دولت تدقیق گردیده مجلس وزراء تقدیم میشود، و بعد تصویب مجلس وزراء و منظور می میشود شامانه در موقع اجراء می درآید،

۶۶- علاوه بر اعضاء طبیعیه وائی شورا سے دولت نامورین لکی از اناب الحکومه الی حکام اعلی و از منصب داران لکین تا لو استر که ان ناموریت بنگه دش شده باشند، با استنای اشخاص که در کتبه حاکمه یا یاد بجز اعضاء طبیعیه شورا سے دولت موقاتی تعیین ناموریت شان در قلم شده میسزیند۔۔۔

۶۷- بودجه عمالانه را که بوزارت ایلسته تنظیم ترتیب میشود، مطابق نظامات بودجه عمومی شورا سے دولت تدقیق میسزیند۔۔۔

۴۹۔ مقادلات و تمہدات کہ با اجابت منظور، از طرف شور اسے دولت محاکم
و تدقیق میسر گردد۔

محاکم

۵۰۔ در محاکم عدلیہ بہ نفع محاکمات بطور علنی اجرا میشود، بعضے فقرات
کہ در نظام نامہ مخصوصہ محاکم نشان داده شدہ، محاکمہ آزار قاضی بطور مخفیہ اجرا
کر دہے سکتا ہند۔

۵۱۔ در خصوص محاکم ہر کس کے لیے محافطہ حقوق خود ہمہ وسائل پیش رو دہے پائیدار
نمودہ سکتا ہند۔

۵۲۔ محاکم عدلیہ در رویت و فیصلہ دعاوی کے کہ داخل وظیفہ نشان باشد، تعطیل و
ملاطکہ کر دہے سکتا ہند۔

۵۳۔ ہندو محاکم از ہر گونہ مداخلت آزاد ہستند۔

۵۴۔ صنوف و درجات محاکم و صلاحیت نشان بنظام نامہ تشکیلات اساسی
ایضاح یافتہ۔

۵۵۔ ہر یکس خارج محاکم عدلیہ کے لیے فیصلہ بعضی فقرات مخصوصہ یک حکم حقوق
المنسوخہ تشکیل دادہ نیتا ہند۔

دیوان عالی

۵۶۔ دیوان عالی خاص برائے محاکمہ وزراء اسے دولت عندالاقضاء و محاکمہ تشکیل پائے

و بعد ایفا و سرانجام نمودن کار که به او سپرده شده فسخ میشود.
 ۵۷- مطرز شکل دیوان عالی اصول حکم که در این مطابق نظامنامه مخصوص آن اجرا میشود.

امور مالیست :-

۵۸- سهم محصولات دولت مطابق قانون مخصوص آن اندکتر میشود.
 ۵۹- هر سال برای واردات و مصارفات دولت یک بودجه تنظیم کرده میشود.
 و این بودجه براساس واردات و مصارفات دولت اساس بودجه تنظیم و از آن
 و مصارفات از روی آن اخذ و صرف میشود.

۶۰- بعد از تطبیق و اجراء بودجه سالانه یک محاسبه قطعی تنظیم کرده میشود و آن
 محاسبه قطعی مقدار حقیقی واردات و صرفیات این سال را حاوی میباشد.

۶۱- برکت تحقیق و تدقیق اینکه آیا واردات و مصارفات دولت حقیقتاً موافق نظامنامه
 بودجه ایفا گردیده است یا نه یک دیوان بخش تشکیل میابد (در خصوص دیوان
 بخش نظامنامه مخصوص موجود است) -

۶۲- برکت تنظیم محاسبه قطعی برای تنظیم بودجه و صورت تطبیق و اجراء آن
 نظامنامه مخصوصه موجود است -

اداره و ولایات

۶۳- اصول اداره و ولایات از سه قاعده اساسی مبنی است: توسعه مافوق
 تفریق و وظائف، تعیین مسئولیت، بنا بر قواعد فکری و فرائض امور و ولایات

مطابق نظامات موضوعه تعیین تقریر کرده است، و اینست، و اینست
 امورین نیز بطریق نظامات مخصوصه محدود است، و هرگاه مورد وظایف خود
 علی المراتب زود افوتش منقول شناخته شود.

۶۴- در ولایات اینهمه شعبه وزارت امورین، جداگانه تقرر مستند، افراد
 انالی براسه اجراسه کار و اسباج، و اسباج خود ابتدا از بنام موریشین است
 نمایند.

۶۵- اگر اجراسه کارانی باموریتها نشود، و یا دوباره آنها بامورین مخالف نظامات
 دولت رفتار نمایند، افراد انالی از تطیل کاره سو رفتار آنها زود آموافقشان
 عند الاقتضا زود نایب الحکومه یا حکامه علی عرض استخفا کرده می تواند.

۶۶- تشکیل دولت بلیطیه و وظایف این دولت نظامنامه مخصوص توضیح یافته
 ۶۷- هرگاه در یک صحنه حاکمیت آنها خصمیان، و بغاوت که مثل امنیت عمومی
 باشد من کرده شود، دولت اعلان حکومت حاکمیته می نماید، و اداره
 تشکیل میاید.

مواد منقحه

۶۸- براسه تبعه افغانستان درجه ابتدائیه تحصیل معارف حتمی و مجسوت
 و ریاضت و تقریحات آن یک نظامنامه مخصوص تعیین یافته که بطریق آن
 معمول است.

۳۱۱- یک ماده این نظامنامه اساسی هیچ سبب و حیثیت تعلیل و یا حکم اجرا آن ساقط نمیشود --

۳۱۰- بنا بر اینجایب اگر از او او مندرجه این نظامنامه اساسی از و تمغیر و تبدیل شود، بعد از استعلمان اعضاء شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزیران و مجلس شرف همایونی عرض میشود، و بعد منظوری تصور شایسته تغییر و تبدیل آن ممکن است --

۳۰۹- تشریح و تفسیر یک ماده این نظامنامه اساسی و دیگر نظایات دولت اگر لازم دیده شود، بشورای دولت حواله گردیده، بعد تصحیح و توضیح شورا دولت و تصویب مجلس عالی وزیران اطلع و نشر میشود --

۳۰۸- در بین تنظیم نظامات معاملات انبالی و مقتضیات زمان مخصوصه احکام شریعتیه بنظر وقت گرفته میشود --

۳۰۷- در صورتیکه مکاتیب کیچه از حقوق انالیست، و همه مکاتیب مراملات محصولی انالی که تودیع پوسته میشود، تا از طرف یک حکمه جواز تریس نشود، و هیچ پوسته خانه و دیگر جا باز کرده نمی شود، و چنانکه نسبت به مرسل الیه سپرده میشود --

مواد این نظامنامه اساسی که بانه اقیار وزیران دولت و تمامی دکلائی قوت مجلس بر حکومت مشرقی براساس دولت علییه افغانستان تعیین میشود

دہشت صدر و بختاد و دو (۱۸۷۲) نفر اعیان مجلس مذکور در موقعیت آن حضور امضا و
اند منظور است ، اگرچہ اس وقت اس وقت دولت و اجراء احکام ہواوش
امور ارادہ میکنی
این ترجمہ فارسی با اصل اسناد اساسی افغانی موافق است ۔

✦ ✦ ✦ ✦

✦ ✦ ✦

✦ ✦

✦

تعدیل و توضیح مواد نظامنامه ایسا

افغانستان

تعدیل ماده (۲)

دین افغانستان دین مقدس اسلامی مذہب رسمی عمومی آن
بزرگواران است دیگر ادیان اهل مینو و یهودی که در
افغانستان هستند بنا بر ذریعہ و علامات ممیزه تابع بوده
بشرطیکہ آسایش و آداب عمومیہ را اخلال نکنند نیز
وقت تأمین گرفته میشوند .

توضیح ماده (۹)

کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذہبی و نظامات
سیاسی دولت علیہ خود پابند و متعقد بوده اند و
فوق شخصی خود را مالک هستند .

تعدیل ماده (۲۴)

شکجه و دیگر انواع زجر تماماً ساقط است و خارج احکام
 شرع شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی عظیم
 یافته برای محلیس مجازات داده میشود .
 نظامنامه اساسی افغانستان که در مجلس معظم (لوی جرگه)
 باه سرطام ۱۳۰۳ در پتقان از علما و سادات و مشایخ و وکلاد و رؤسا
 تمام مملکت افغانستان تشکیل یافته تصویب و منظور گردید . تنها
 ماده (۲۴ و ۹ و ۲) آن قرار فوق تعدیل و توضیح یافته
 صحیح است .

امضای علمای منتخبه مجلس لوی جرگه

مولوی قورقون ^{صاحب} کاهوی مولوی عبدالواحد الصدیقی
 مولوی محمد رفیق مولوی محمد رفیق

العلی خاکی مولوی عبدالحی بخشیر رئیس تین
 مولوی عبد الغفور
 معاون



مورخه ۳۱ بج ۱۳۰۳

ضمیمہ نظامہ اساسی دولت علیہ افغانستان

مواو این نظامہ اساسی کہ بہ اتفاق آراء وندے
 دولت و تمامی دکلاے ملت در مجلس لوے جرگہ سمیت مشرفی برا
 اس دولت علیہ افغانستان تصویب یافته در مجلس عالی
 رے جرگہ پیمان نیئر عیناً قرأت و حسب آراء و زراے
 دولت و تمامی دکلاے ملت و علماء مساوات و مشایخ منظر گردید



روز ۸ دلو ۱۳۰۳

انتشارات راه پرچم

<http://rahparcham\'.org>